

شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

قسمت بیست و چهارم

محمد رضا یزدانیان

مدیر کل حقوقی سازمان قضایی ن. م

ماده ۹۳_ هر نظامی که عمداً تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه یا مهمات یا مواد منفجره را آتش بزند یا تخریب کند یا از بین ببرد یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

تبصره ۱: در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت یا اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) یا شکست جبهه اسلام باشد مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌گردد.

تبصره ۲: تخریب امکانات و تأسیسات به منظور عدم دستیابی دشمن به هنگام عقب نشینی طبق دستور لازم

الاجراء از شمول این ماده مستثنی است. ماده ۹۴_ هر نظامی که غیر از موارد یاد شده در ماده ۹۳ این قانون، عمداً سایر اموالی را که در اختیار نیروهای مسلح است، آتش بزند یا تخریب یا تلف کند یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و اگر عمل وی موجب اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب محکوم می‌شود. شرح مواد:

۱_ عنصر مادی ماده ۹۳، آتش زدن یا تخریب یا تلف کردن تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوای اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی

و اسلحه و یا مهمات یا مواد منفجره است. ۲_ منظور از تأسیسات، "ساختمان‌ها یا بناهایی ثابت است که معمولاً در ارایه خدمات و پشتیبانی از نیروهای مسلح در زمینه‌های اسکان، عملیات، آموزش، درمانی و غیره از آن‌ها استفاده می‌شود، مانند آسایشگاه‌ها، اماکن آموزشی، انبارها، بیمارستان‌ها، تأسیسات ارتباطی و تأسیسات سوخت."

۳_ به کلیه اقدامات و اعمالی که نفر، وسایل و تجهیزات را از عملیات خصمانه دشمن محفوظ نگه می‌دارد (به جز قدرت آتش) استحکامات می‌گویند.

استحکامات به دو صورت تعجیلی و با فرصت (دایمی)، تهیه می‌شود.^(۱)

۴_ منظور از وسایل ارتباطی، وسایلی هستند که به واسطه‌ی آن‌ها، پیامی از یک فرد یا یک محل به شخص یا محل دیگری ارسال می‌شود.



ماهنامه شماره ۶۶ سال ۱۳۸۱ زمستان و اسفند ۱۳۸۱

۵_ وسایل دفاعیه، وسایلی هستند که عناصر خودی، هنگام هجوم دشمن جهت محافظت از خود یا مواضع یگان از آن استفاده می کنند و ملزومات جنگی اعم است از جنگ افزارهای اصلی یا پشتیبانی کننده.

۶_ جرایم موضوع مواد (۹۳ و ۹۴) از جمله جرایم عمدی هستند که در آن ها وجود سوءنیت شرط است وواژه "عمداً" که در مواد مزبور به کار رفته است، از باب تأکید است و تأثیری در "ماهیت بزه" ندارد.

۷_ اسلحه اعم است از سلاح گرم و سرد. مهمات و مواد منفجره نیز قبلاً شرح داده شد.^(۳)

۸_ ارتکاب جرایم موضوع مواد (۹۳ و ۹۴) ممکن است به مباشرت صورت گیرد یا فردی دیگری را وادار به آن نماید که در این صورت وادار کننده، به عنوان فاعل معنوی جرم شناخته می شود. در این حالت چنانچه "دیگری" که مرتکب جرم شده است، مشمول قاعده عدم مسئولیت کیفری به لحاظ اجبار یا اکراه تام که عادتاً قابل تحمل نباشد، نگردد، هر دو نفر محکوم به مجازات مقرر در مواد مزبور می شوند.

۹_ در صورتی که مرتکب موضوع ماده ۹۳ اعمال مجرمانه مذکور در ماده را به "قصد

براندازی حکومت یا اختلال در نظام به مفهوم به هم خوردن امنیت کشور یا شکست جبهه اسلام" انجام دهد، به مجازات محارب محکوم می شود. ملاحظه می شود که مقررات تبصره مقید به حصول نتیجه نبوده و ارتکاب بزه به قصد موارد یادشده موجب اعمال مجازات محارب خواهد شد.

۱۰_ تخریب امکانات و تأسیسات به منظور عدم دستیابی دشمن به هنگام عقب نشینی طبق دستور، به لحاظ فقدان سوءنیت و عنصر معنوی مشمول مقررات ماده ۹۳ نخواهد شد.

۱۱_ موضوع ماده ۹۴ سایر اموال در اختیار نیروهای مسلح، غیر از موارد یادشده در ماده ۹۳ است. مالکیت نیروهای مسلح در مورد اموال شرط نیست، همین که به نحوی از انحاء در اختیار نیروهای مسلح باشد، مشمول مقررات ماده می گردد.

عناصر مادی ماده ۹۴ با ماده ۹۳ یکسان است.

۱۲_ در ماده ۹۴ برعکس ماده ۹۳ هنگامی مجازات متهم، کیفر محارب است که اعمال مجرمانه "موجب اختلال در نظام یا شکست جبهه اسلام" گردد، به عبارت دیگر اعمال مجازات محارب در این ماده مقید به

حصول نتیجه است، در حالی که در ماده ۹۳ انجام افعال مجرمانه با قصد براندازی حکومت و... موجب اعمال مجازات محارب می گردد و نتیجه شرط نیست.

۱۳_ اگر فردی اموال قابل سرقت مذکور در مواد ۹۳ و ۹۴ را بریابد و سپس آن ها را تخریب یا آتش بزند، مرتکب دو عمل مجرمانه شده و مشمول قاعده تعدد مادی جرم می گردد.

فصل دهم: سوءاستفاده و جعل و تزویر کلیات:

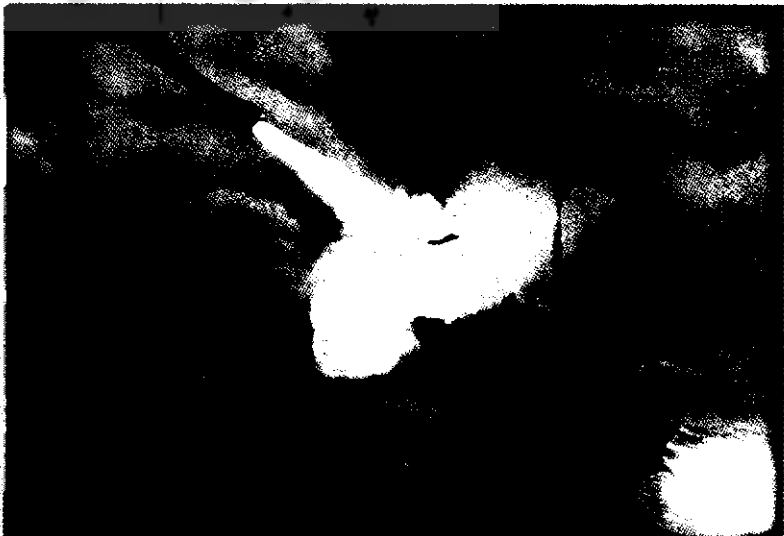
مقدمه: جرم جعل از جمله جرایمی است که موجب سلب اعتماد مردم نسبت به اسناد رسمی و عادی گردیده و مخل نظم عمومی جامعه و آسایش مردم می شود.

استحکام روابط اجتماعی مردم با یکدیگر و همچنین روابط افراد با دولت اقتضاء می نماید که افراد جامعه به صحت و اصالت نوشته ها و اسنادی که برای اهداف مختلف بین آن ها مبادله و یا مورد استفاده قرار می گیرد اطمینان کامل داشته باشند. نحوه و راه های ارتکاب بزه جعل سیر تکاملی داشته و به تدریج از حالت ساده و ابتدایی خارج و به موازات پیشرفت علوم و فنون و فناوری به صورت کاملاً فنی و پیچیده درآمده است. به همین علت تشخیص موارد جعل و تطبیق مصادیق آن با مقررات و قوانین در بسیاری از موارد دشوار و مستلزم بررسی و دقت زیاد است.

معنای لغوی و تعریف جعل:

جعل در لغت به معنای دگرگون کردن، منقلب نمودن، قراردادن، وضع کردن، آفریدن، ساختن، ایجاد کردن و تقلب آمده است. تزویر نیز به معنای فریب دادن، مکر و حيله و به دروغ آراستن می باشد.

این دو واژه در قانون مترادف هستند و قانون گذار گاهی از عنوان جعل و گاهی از عنوان تزویر و در پاره ای از موارد از هر دو واژه استفاده کرده و از لحاظ حقوقی تفاوتی



بین آن دو قابل نشده است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی خود اعلام نموده که باتوجه به ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی، جعل و تزویر مترادفند و از نظر قانونی فرقی بین آنها نیست.^(۳)

در قانون ایران تعریفی از جرم جعل نشده است، فقط مصادیقی از آن در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. حقوق دانان تعاریف مختلف و در عین حال تقریباً مشابه و با مفهوم نزدیک به هم از جعل ارائه داده اند.

در یک تعریف آمده است: «جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سند یا سایر چیزهای مذکور در قانون به قصد جازدن آن ها به عنوان اصل، برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر.»^(۴)

در تعریفی دیگر آمده است: «جعل و تزویر عبارت از قلب متقلبانه حقیقت به زبان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر.»^(۵)

باعنایت به تعاریف ارائه شده از جعل می توان گفت؛ جعل عبارت است از: «ساختن یا تحریف یا تغییر متقلبانه یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به قصد اضرار به غیر و به روش های مذکور در قانون.»

ارکان جرم جعل:

ارکان جرم جعل عبارت است از: رکن قانونی، مادی، ضروری و معنوی.

الف) رکن قانونی:

در مورد عنصر قانونی بزه جعل می توان به مواد ۵۲۳ الی ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی، ۹۵ الی ۱۰۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و قوانین خاص دیگر مانند ماده ۸ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸، مواد ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰، قانون گذرنامه، قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۶۳، قانون انتخابات مجلس مصوب

۶۴ و مانند آن اشاره نمود.

ب) رکن مادی:

عنصر مادی جرم جعل، ساختن یا تغییر دادن نوشته یا سند یا چیز دیگری است به یکی از راه های مذکور در قانون. مانند تغییر مبلغ چک از ۱۰۰/۰۰۰ ریال به ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال با اضافه کردن یک صفر یا حک مهر یا منگنه تعیین عیار طلا و نقره یا ذکر شرایط معامله برخلاف توافق طرفین در سند توسط کارمند دفتر اسناد رسمی یا جعل امضاء اشخاص در ذیل سند و مانند آن، باید توجه داشت که ساختن یا تغییر دادنی جعل است که توأم با قلب حقیقت باشد؛ در غیر این صورت گرچه فعل ساختن یا تغییر دادن صورت گیرد. «مانند اینکه

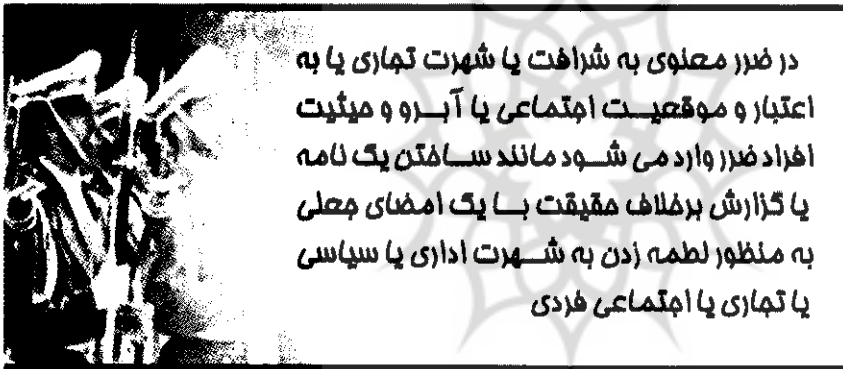
نیست، بلکه عمل جعل اگر در آینده و حتی بالقوه متضمن ضرر دیگری باشد، مورد با موارد مربوط به جعل منطبق است.»

شعبه مزبور رأی مشابه دیگری نیز در این مورد صادر نموده است.^(۶)

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز باتوجه به رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور، اضرار آنی را شرط تحقق جرم جعل ندانسته و اعلام نموده اگر عمل جعل در آینده و حتی بالقوه متضمن ضرر دیگری باشد، مورد با موضوع جعل منطبق است.^(۷)

ضرری که تحقق یا احتمال ورود آن در جرم جعل شرط دانسته شده است شامل ضرر مادی، معنوی و اجتماعی می شود.

در ضرر مادی، عمل مرتکب باعث می



در ضرر معلوی به شرافت یا شهرت تجاری یا به اعتبار و موقعیت اجتماعی یا آبرو و حیثیت افراد ضرر وارد می شود مانند ساختن یک نامه یا گزارش برخلاف حقیقت با یک امضای جعلی به منظور لطمه زدن به شهرت اداری یا سیاسی یا تجاری یا اجتماعی فردی

شود به اموال و دارایی های فرد ضرر وارد شود یا احتمال ورود آن را فراهم نماید. البته در مورد اضرار غیر لازم نیست که حتماً ضرر به کسی وارد شود که سند علیه او جعل شده، بلکه ممکن است ضرر متوجه شخص ثالث گردد.^(۸) در ضرر معنوی به شرافت یا شهرت تجاری یا به اعتبار و موقعیت اجتماعی یا آبرو و حیثیت افراد ضرر وارد می شود مانند ساختن یک نامه یا گزارش برخلاف حقیقت با یک امضای جعلی به منظور لطمه زدن به شهرت اداری یا سیاسی یا تجاری یا اجتماعی فردی.^(۹)

یکی از ارکان بزه جعل "رکن ضرری" آن است. حداقل "ضرر بالقوه" یعنی امکان ایراد ضرر جهت تحقق جرم جعل ضروری است. البته احراز رابطه "سببیت بین جعل و ضرر" لازم می باشد، یعنی ضرر به وجود آمده یا ضرر محتمل و بالقوه باید مستند به فعل جاعل باشد.

در ضرر اجتماعی ممکن است اجتماع یا دولت متضرر شود، مانند جعل در یک سند احوال شخصیه یا جعل در اوراق نظام وظیفه

منشی یک شرکت بازرگانی، شرح دفتر را که قبلاً اشتباه نوشته، مجدداً آن را بازنویسی کند» ولی به لحاظ اینکه حقیقتی تحریف نشده است، بزه جعل منتفی است.

ج) رکن ضرری:

در رأی شماره ۱۳۱۴ مورخ ۱۳۱۸/۶/۱۹ شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده است: «... اضرار آنی شرط تحقق جرم جعل

یا گذرنامه یا مدارک تحصیلی و مانند آن. زیرا چنین اعمالی گرچه ممکن است موجب ضرر مالی نشود ولی از آن جهت که اعتماد و اطمینان عمومی را نسبت به اسناد دولتی و رسمی متزلزل و خدشه دار می کند و به اعتبار دولت لطمه وارد می سازد، متضمن ضرر اجتماعی می باشد. این ضرر معمولاً در مورد اسناد دولتی مطرح می شود.^(۱۱)

د) رکن معنوی بزه جعل:

جرم جعل از زمره جرایم مادی صرف یعنی جرایمی که نیاز به اثبات عنصر روانی ندارند، نمی باشد، بلکه در بزه جعل احراز عنصر معنوی یا سوءنیت مرتکب شرط تحقق جرم است. به همین دلیل در انتهای ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی، عبارت «به قصد تقلب» آمده است.

شعب دوم و پنجم دیوان عالی کشور به موجب آراء شماره های ۲۹۲ - ۲۰/۱/۳۱ و ۴۰۳ - ۲۰/۹/۳۰ اعلام نموده اند که: «سوءنیت از عناصر لازمه جرم جعل به شمار می رود.» شعبه دوم دیوان عالی کشور رأی دیگری به شماره ۷۸۰ - ۱۳۱۶/۴/۱۰ بدین شرح صادر نموده است: «کسی که به دستور دیگری و با حسن نیت مهر معجوله می سازد و اطلاعی از جعل ندارد، جاعل محسوب نمی شود، بلکه دستوردهنده جاعل است.» اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مورخه ۱۳۴۵/۷/۱۲ احراز عنصر سوءنیت در بزه جعل را ضروری دانسته است.^(۱۱) برای تحقق بزه جعل وجود شرایط ذیل نیز لازم است:

۱- موضوع جعل باید اسناد یا نوشته یا امضا یا سایر اشیای مذکور در قانون مانند علامت، منگنه و مهر باشد، بنابراین امکان جعل اشیایی مانند مجسمه، نوار کاست، ماشین آلات یا قلب شفاهی حقیقت مانند شهادت کذب وجود ندارد.

۲- جعل در اسناد یا نوشته ای قابل تصور است که خود آن سند یا نوشته تقلبی و

مجموع نباشد، بنابراین دستکاری و تغییر مندرجات گواهینامه جعلی و ساختگی نمی تواند جعل محسوب شود.

۳- جعل در تصویر و فتوکپی اسناد و مدارک که در مقام دفاع یا دعوا قابل استناد نیستند، مصداق ندارد. اما اگر فتوکپی اسناد اعم از رسمی و عادی تصدیق شده باشد، جعل در آن ها و نیز استفاده از آن جرم محسوب می شود.^(۱۲)

کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۸۵/۳۱۲۹۸ - ۸۵/۳/۲۰ در این مورد چنین اظهار نظر نموده است:

«نظر به اینکه فتوکپی سند فی نفسه فاقد اعتبار است و در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد نبوده و مؤثر در اثبات یا نافی امر یا حقی نمی باشد، لذا جعل در فتوکپی اسناد اعم از رسمی و عادی در صورتی که مصدق نشده باشد مصداق ندارد، لکن تصویربرداری از اسناد و مدارک چنانچه موجب اشتباه با اصل شود به استناد ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی جعل محسوب و مرتکب قابل تعقیب کیفری است.»

۴- جعل و تزویر در صورتی تحقق می یابد که در ساختن نوشته یا سند یا امضاء، شبیه سازی رعایت شده باشد، به عبارت دیگر باید امکان به اشتباه انداختن اشخاص متعارف و مشتبه شدن امر وجود داشته باشد. البته شباهت تام و کامل لازم نیست. نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید این نظر است^(۱۳) لزوم شبیه سازی در رأی شماره ۸۱۱۸ - ۲۳۳ مورخ ۲۶/۱/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. در این رأی آمده است: «چون ساختن از ارکان جعل است و متبادر به ذهن از کلمه مزبور، شبیه سازی است و اگر مشابهتی در کار نباشد، ساختن محقق نیست، پس شبیه سازی لازمه تحقق جعل است و درجه شباهت و

کیفیت آن باید به تریبی باشد که در نظر اول موجب اشتباه با واقع شود.» اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷۶۸۱ - ۷۳/۱۱/۱۵ شبیه سازی را از عناصر تشکیل دهنده جرم جعل دانسته است. البته در مقابل، نظر مخالف مبنی بر عدم لزوم شبیه سازی در جعل نیز وجود دارد، براساس این نظر لزومی ندارد که بررسی شود آیا بین امضا یا سند یا نوشته مجعول با امضا یا سند یا نوشته اصیل شباهت وجود دارد یا خیر؟^(۱۴)

۵- موضوع جعل اعم از سند یا نوشته باید ماهیتاً ساختگی و تقلبی باشد و صرف اینکه حاوی اطلاعات دروغ باشد، کافی نیست. بنابراین اگر فردی دیپلمه در پرسش نامه استخدامی، خود را دارای مدرک کارشناسی معرفی کند، عنوان جعل صادق نیست.

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

- ۱- رستمی، سرتیپ ستاد محمود، فرهنگ واژه های نظامی
- ۲- ر.ک: قسمت بیست و سوم.
- ۳- نظریه مشورتی شماره ۲۶/۴/۷۸ - ۲۳۵۰/۷
- ۴- میر محمد صادقی، دکتر حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی.
- ۵- گلدوزیان، دکتر ایرج، حقوق جزای اختصاصی.
- ۶- رأی شماره ۱۱۵۰ - ۲۴/۵/۱۳۱۶
- ۷- نظریه مشورتی شماره ۱۵/۱۱/۷۳ - ۷۶۸۱/۷
- ۸- ر.ک: رأی شماره ۲۶/۲/۱۳۱۶ - ۲۷۱ - شعبه دوم دیوان عالی کشور
- ۹- در مورد ضرر معنوی مراجعه شود به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و آراء شماره های ۵۲ - ۱۶/۱/۱۳۱۷ و ۱۶/۱/۱۳۱۱ - ۱۲۳۶ - شعبه دوم دیوان عالی کشور
- ۱۰- در مورد ضرر اجتماعی مراجعه شود به آراء شماره های ۶/۶/۱۳۱۸ - ۱۳۰۵ و ۱۷۲۱ - ۲۶/۶/۲۱ - شعبه دوم دیوان عالی کشور
- ۱۱- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، ص ۲۲۰
- ۱۲- ر.ک: نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره های ۴۹۰۲/۷ - ۱۲/۹/۶۸، ۳/۱۱/۷۴ - ۲۰۷۳/۲ و ۵/۴/۷۸ - ۶۰۸۶/۷
- ۱۳- نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره های ۲۰۷۳/۲ - ۷۶۸۱/۷ و ۱۵/۱۱/۷۳ - ۸۱۶/۷
- ۱۴- ر.ک: رأی شماره ۷۰۵۶ - ۱۱/۶/۱۳۱۶ دیوان عالی کشور